

اول ماه مه سقز و ادعاهای بی پایه آقای حکیمی!

در جریان بر گذاری اول ماه مه سقز تعدادی از ما کارگران و شرکت کنندگان در مراسم روز جهانی کارگر در جریان حمله نیروهای انتظامی دستگیر شدیم. دستگیر شده گان همگی غیر از ما ۷ نفر که عبارت بودیم از جلال حسینی، هادی تنومند، اسماعیل خودکام، محمد عبدی پور، محمود صالحی، محسن حکیمی، و من برهان دیوارگر، آزاد شدند.

بدنبال این ماجرا وتلاشهای زیادی که خانواده های ما و مردم مبارز شهر سقز ودیگر شهرها از تهران و سنندج گرفته تا بوکان و دیواندره و... وهمچنین تلاشهای که در سطح بین المللی در دفاع از ماصورت گرفت و سر انجام منجر به آزادی ما شد، طبق اطلاع بحثهای زیادی از جانب جریانات و شخصیتهای مختلف درست و نادرست روی این واقعه صورت گرفت. در این میان آقای محسن حکیمی عضو کانون نویسندگان با ترتیب دادن جلسه ای پالتاکی سخنانی ایراد، وادعاهای کرده اند که من به عنوان یکی از ۷ نفر دستگیر شده برای روشن شدن پاره ای مسائل توضیح چند نکته را در خصوص ادعاهای نامبرده برای روشن شدن افکار عمومی لازم میدانم. قبلا لازم میدانم چند نکته کوتاه توضیح دهم و به اطلاع عموم برسانم.

پیشبرد مراسم اول مه سقز و انجام کارهای اجرای و اقدامات لازم از مراجعه به مراجع دولتی برای مجوز تا دعوت از مردم و تعیین سخنران و ترتیب کارهای دیگر این مراسم به عهده سه نفر بوده است که عبارت بودند از محمود صالحی، جلال حسینی، وشخص من برهان دیوانگرد. در خود زندان و در دادگاه و بازجوییها نیز ما سه نفر اعلام کردیم که برگزاری مراسم روزکارگر حق طبیعی ماست و مسئولیت کارهای این روز به عهده ما سه نفر بوده است نه اشخاص دیگر. کلیه تصمیمات در این جمع به شکل شورایی بوده است و در مورد مسائل مختلف صحبت کرده ایم و تلاش کرده ایم با مشورت وتبادل نظر با هم کارهایمان را پیش ببریم.

واما ادعاهای آقای حکیمی – اولا آقای محسن حکیمی را ما کارگران سقز به عنوان سخنران وحتی به عنوان مهمان هم چه در جمع وچه در نشستهای رسمی که داشته ایم و در این زمینه صحبت کرده ایم دعوت نکرده ایم. از اینکه قرار است چنین کسی سخنران با شد نیز نه بحثی بوده و خبری هم نداشته ایم . ایشان را آنچنانکه بعدا متوجه شدیم یکی از دوستان شخصا دعوت کرده بود و شورا یا جمعی که مسئولیت کارها را بعده داشته است چنین تصمیمی اتخاذ نکرده است وهمچنانکه گفتم بحث دعوت او هم در هیچ جلسه ای طرح نشده است.

آقای محسن حکیمی در جلسه پالتاک خود افرادی را که به قول خودش عضو شورا هم بوده اند متهم به کار شکنی کرده اند و حتی مدعی شده اند که در مراسم حاضر نشده اند. همزمان این عده را به احزاب و جریانات اپوزسیون منتصب کرده اند. در این رابطه نیز لازم میدانم چند نکته را بسیار کوتاه توضیح دهم.

اولا کار شکنی از جانب کسانی که به قول آقای حکیمی از شورا بوده اند را شخصا تکذیب میکنم. پخش چنین شایعاتی از جانب محسن حکیمی و هر کس دیگر را کاری منفی و صرفا در جهت ایجاد تفرقه و چند دستگی در صفوف کارگران و در جهت اهداف شخصی انجام گرفته است میدانم، درثانی در این مراسم فقط ما ۷ نفر دستگیر نشده بودیم بلکه حدود ۵۰ نفر دستگیر شدند، ایشان چگونه به خود اجازه میدهد ادعا کند که جمعی کار شکنی کرده اند و یا در مراسم حاضر نشده اند مگر بقیه دستگیرشدگان همفکر ایشان بوده اند؟ آقای حکیمی تصمیم داشته با برگزاری جلسه پالتاک خود در غیاب من و دوستان دیگر به فرصتی برای زیر پا خالی کردن تعدادی از ما کارگران و نمایندگانشان تبدیل کند، وگر نه جا داشت خود این دوستان هم حضور میداشتند و جواب او و یا هر شخصی دیگری را میدادند و از خود دفاع میکردند. و اما از این مهمتر منتصب کردن آدمهای معینی از جمعی که مسئولیت این مراسم را بعده داشته و به قول حکیمی از شورا هم بوده اند به جریانات اپوزسیون و برانداز ربطی به ارزیابی از اول مه ندارد! معلوم نیست چرا این آقای محترم "مجبور" است در ارزیابی از اول مه سقز کسان معینی را به حزب و جریانات معینی از جریانات برانداز منتصب کند. جناب حکیمی آزاد است و میتوانست و مجاز بود نقد خود را از هر نظر اعلام کند، بنویسد و به گوش جهانیان برساند، اما وصل کردن مخالفان خود در اول مه سقز که تنها به جرم برگزاری مراسم روز جهانی کارگر دستگیر شدند، به جریانات چپ در اپوزسیون دیگرکاری است سبک و دور از پرنسیبهای رایج در جامعه کارگری و معلوم است چه مخاطراتی میتواند برای این آدمها بار آورد. چنین اعمالی را تا کنون جریانات ضد کارگری چون سازمان زحمتکشان پیش برده اند و مورد تنفر و انزجار مردم سقز و ماکارگران بوده و هستند. عمل محسن حکیمی چیزی جز پاپوش دوزی و پرونده سازی برای انسانهای که جهت دفاع از ابتدایی ترین حقوق خود به میدان آمده اند نیست و از جانب کارگران و مردم محکوم است.

محسن حکیمی همچنین ادعا کرده است که در شهر سقز قطعنامه ۲۳ ماده ای که معلوم است مورد پسند ایشان است به تصویب رسیده است! شخصا به عنوان یکی از سه نفر جمع اجرایی اول مه سقز چنین ادعای را تکذیب میکنم. در جمع چنین توافقی صورت نگرفته است و در خود مراسم هم حمله پلیس اجازه نداد قطعنامه ای طرح شود تا مردم میان قطعنامه مورد پسند حکیمی و قطعنامه ما

کارگران یکی را انتخاب کنند.

البته از نظرم وجود قطعنامه‌های مختلف در مراسم اول ماه مه امری عادی است و شخصا بر عکس محسن حکیمی قصد قیچی کردن نظرات و قطعنامه کسی را ندارم و هر جمعی باید این امکان را داشته باشند که نظریات خود را مطرح کنند. البته من شخصا فکر نمیکنم طرفدار تفکر ایشان در میان کارگران وجود عینی داشته باشد. به جا بود در این موقعیت آقای حکیمی به جای مطرح کردن ویزرگ جلوه دادن نقش خود در مراسم اول مه سقز در جهت ایجاد اتحاد و همبستگی کارگران گام بر میداشت. تا حالا آقای حکیمی و همفکرانش ضربات جبران ناپذیری به اتحاد کارگران سقز وارد کرده‌اند که جبران آن مشکل خواهد بود.

یکی از دستگیر شدگان اول مه سقز

برهان دیوارگر

اول تیر ماه ۱۳۸۳